

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن

۲۲ اکتوبر ۲۰۲۱

تابوتسازی که در تابوت افتاد!



حاج داود رحمانی جلاد و شکنجه گر قزل حصار هم مرد. او بی مجازات مرد و ما را با اندیشه های آرمانگرایانه مان و دادخواهانه مان باقی گذاشت. حقیقت این است که بسیاری از جلادان رژیم جمهوری اسلامی مردند و بی مکافات رفتند. حاج داود که به گفته بسیاری از زندانیان سیاسی جان بدر برده طی سالهای ۱۳۶۰ تا تیرماه [سرطان] ۱۳۶۳ در قزل حصار ریاست می کرد و قبرهایی برای زندگان اسیر در زندان ساخته بود تا صدای شکستن شان را بشنود، همین چند روز پیش در قبر افتاد و بی مجازات مرد. جنبش دادخواهی پس از گذشت چهل سال همانطور که جنایات لاجوردی را فراموش نکرده است نام ننگین حاج داود را نیز فراموش نخواهد کرد. همانطور که حمید عباسی را فراموش نکرد و هم اکنون دادگاهی در سویدن ابعاد جنایاتش در دهه شصت و به ویژه کشتار تابستان ۶۷ را بررسی می کند. مردن این تابوتساز زندان قزل حصار تأکیدی است بر اهمیت جریان دادگاهی شدن حمید نوری که پیش از مردنش به دام افتاد و از سوی دادگاه محاکمه می شود. طبیعی است که افرادی همانند حمید نوری بهتر بود در برابر دادگاههای مردمی و مستقل در داخل کشورمان صورت می گرفت اما هنوز چنین شرایطی برای جنبش دادخواهی مردم کشورمان به دلائل مختلف مهیا نیست مضاف بر این که برگزاری این دادگاه در سویدن می تواند به انعکاس بین المللی جنایات دهه شصت جمهوری اسلامی در زندانهای کشور، کمک شایانی کند.

امثال حاج داود رحمانی در زندانهای کشور کم نبودند. انسان نماهایی که جنون وافر و سادیسم را با کار روزانه شان، شغل شان، ابتکارات شان و توانائی هایشان آمیخته و بر زندانیان اسیر دیوانه وار می تاختند.

چنانچه بر اساس عرف رژیم های دیکتاتوری و استبدادی شکنجه زندانیان سیاسی اغلب طی مدت بازجویی صورت می گیرد و سپس و اساساً جداسازی و ایزوله نمودن زندانیان سیاسی از جامعه و محیط زندگی صورت می گیرد، در جمهوری اسلامی شکنجه زندانیان سیاسی و دیگر اندیشان هرگز پایانی ندارد.

این موجودات خشن و جانی زندانی را در آرامش چار دیواری های مخوفشان نیز رها نمی کردند و تمامی هم و غم خود را صرف هویت زدائی و تواب سازی زندانیان سیاسی می کردند که اغلب نشریه ای خوانده بودند و یا اظهار هواداری از سازمان و حزب و گروهی کرده بودند و یا در تظاهراتی عقاید خود را در قالب شعار و پلاکارد بیان کرده بودند. زمانی که به این محورها به طور مجرد فکر کنیم در می یابیم که همه این موارد از جمله نیازهای فکری و انسانی است که در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان حق مسلم و قابل دفاع شمرده می شود.

در کشورهایی که حقوق پایه شهروندانش ، آزادی تحزب و تظاهرات و عقیده و بیان در نظر گرفته شده و امروزه قانونی است، پولیس از این حقوق دفاع می کند، اکسیون و تظاهرات را مورد پوشش خود قرار می دهد تا دیگران آن را به هم نزنند.

داوود رحمانی دستیار لاجوردی جلاد برای زندانیان سیاسی سر موضع مکانی را ساخته بود که قیامت نام داشت. به گفته زندانیان سیاسی این مکان شامل تقسیماتی بود که شبیه تابوت بوده است. حدود ۸۰ سانت عرض و یک و نیم تا دو طول داشته است و ارتفاعی حدود هشتاد سانتی متر و زندانیان را زیگزگی در آن می نشاندد و حق ایجاد سر و صدا و صحبت هم نداشته اند و پی در پی مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند. با بالاگرفتن اعتراضات و انتقادات آیت الله منتظری و مقتدائی و طیف همراهشان، او هم بناچار دفتر و دستک جنایات خود را به دیگری تحویل داد و بنابر اظهارات سایر زندانیان سیاسی و منابع خبری مدتی به کارهای حاشیه ئی در اوین پرداخت و سپس به شغل خود که آهنگری و در و پنجره سازی بود بازگشت. داوود رحمانی اما همه در و پنجره ها را بر روی زندانیان سیاسی سر موضع بست و هیچ روزنه ای را باز نگذاشت.

چنانچه سلول انفرادی خود نوعی شکنجه روحی و روانی و در درازمدت جسمی محسوب می شود و بهره برداری از این شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی تازگی ندارد اما جانورانی همانند داوود رحمانی آرشینکت تابوت ها با این اقدامات اوج رذالت و دشمنی خود را با مخالفان سیاسی و عقیدتی خود نشان داده اند. امثال او حاضر بوده اند جهت اثبات سرسپردگی خود به امام جلادشان خمینی از روی هزاران جسد دگر اندیشان نیز بگذرند و اینکار را هم کردند. ابداع چنین شیوه شکنجه ای از سوی داوود رحمانی در قزل حصار را تنها می توان در اندازه های جنایت علیه بشریت و نمونه ای بارز در تاریخ سرکوب مخالفان سیاسی در جهان ارزیابی کرد.

هنوز و پس از چهل سال سرکوب و جنایت در زندانها مسئولین نظام به قتل در زندانها و شکنجه و ایجاد محدودیت در زندانهای مخوف شان ادامه می دهند و هنوز گزارشاتی مبنی بر وجود زندانها و بازداشتگاه های مخفی آنها منتشر می شود.

حاج داوود رحمانی رئیس زندان قزل حصار کج دهانی بود که از به کارگیری هیچگونه الفاظ رکیک و فحاشی به زندانیان سیاسی و شکنجه آنان کوتاهی نکرد و حتی می خواست در کار (خدا) نیز دخالت کند و قیامت او را برای بهترین فرزندان این کشور روی زمین بسازد و اینکار را نیز آغاز کرد. تاریخ نام او را در زمره پلیدترین شکنجه گران و قاتلان ثبت کرده و خواهد کرد.

۲۰۲۱/۱۰/۲۱